

نگرشی بر کارنامه‌ی نظام جمهوری اسلامی ایران

محمدرضا مرندی*

چکیده

«یکی از مباحثی که در ارزیابی کارنامه‌ی نظام جمهوری اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد، مسأله‌ی کارآمدی است و آن چه در این راستا باید مدنظر باشد مسأله‌ی امکانات است. در حقیقت یک مجموعه، زمانی کارآمد است که عملکرد آن در قبال امکاناتش مطلوب باشد. اتفاقی که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مورد نظام جمهوری اسلامی روی داده، این است که امکانات نظام جمهوری اسلامی (درآمدهای ارزی آن) نسبت به سال‌های قبل از انقلاب کاهش و هزینه‌هایش بشدت افزایش پیدا کرده است.

در این جا به صورت دقیق این مسأله مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است تا خوانندگان بتوانند به یک نتیجه‌ی کلی رسیده و این پارامترها را در ارزیابی کارنامه‌ی نظام جمهوری اسلامی دخالت دهند.»

واژگان کلیدی

کارآمدی، انقلاب اسلامی، عملکرد، امکانات، نفت، درآمدهای ارزی، توسعه یافتگی.

نگاهی به توسعه یافتگی و کارآمدی نظام

همان طور که می دانید درآمد عمده‌ی کشور ایران همواره از نفت بوده است. درآمدهای نفتی ایران در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب با محاسبه‌ای که انجام گرفته، چیزی حدود ۸ برابر نسبت به سال‌های قبل از انقلاب کاهش پیدا کرده است. بدین صورت که میزان تولید نفت قبلاً ۶ میلیون بشکه [در روز] بوده و در حال حاضر به $3/5$ میلیون بشکه کاهش پیدا کرده است. این در حالی است که مصرف داخلی نفت سه برابر افزایش پیدا کرده؛ یعنی قبل از انقلاب (در سال ۵۶) مصرف داخلی نفت، $0/5$ میلیون بشکه بوده و در سال ۷۶ به $1/5$ میلیون بشکه [در روز] رسیده است، در حقیقت مصرف داخلی ۳ برابر افزایش پیدا کرده و همین امر موجب شده که میزان صادرات بیش از این کاهش پیدا کند.

در گذشته اگر ۶ میلیون بشکه نفت تولید می شد، $0/5$ میلیون آن در داخل مصرف و $5/5$ میلیون صادر می شده است، در حالی که به طور متوسط در سال‌های پس از انقلاب $3/5$ میلیون بشکه نفت تولید می شد، $1/5$ میلیون بشکه نفت در داخل مصرف می شده و ۲ میلیون بشکه نیز صادر می شده، به عبارت دیگر میزان صادرات چیزی بیش از دو برابر کاهش پیدا کرده است. در کنار آن، مسأله‌ی قدرت خرید مطرح می شود که معمولاً در محاسبات چندان مورد توجه قرار نمی گیرد. از آن جایی که کشورهای نفت خیز، نفت خود را به دلار می فروشند، کاهش یا افزایش ارزش دلار در مقابل ارزهای معتبر جهانی به منزله‌ی کاهش یا افزایش درآمد نفتی آنها محسوب می شود.

در سال‌های پس از انقلاب (۲۰ سال اخیر) ارزش دلار در مقابل دیگر ارزهای معتبر؛ مثل فرانک، پوند، مارک و ین به طور متوسط نصف شده

است. (البته براساس شاخص سال ۷۶) مثلاً حدود ۲۰ سال پیش یک دلار آمریکا معادل ۳۵۵۰۰ ریال بود. در حالی که اکنون به چیزی حدود ۱۰۰۰۰ ریال رسیده است؛ یعنی ۳/۵ برابر کاهش پیدا کرده است، در نتیجه درآمد ارزی کشورهای نفت خیز از جمله کشور ما نیز کاهش پیدا کرده است. از طرفی قیمت نفت با توجه به تورم جهانی به طور متوسط کاهش پیدا کرده، در واقع نفتی که در سال ۱۹۷۹ قیمت هر بشکه‌ی آن به ۴۰ دلار رسیده بود، در سال ۱۹۸۵ تا ۸ دلار کاهش پیدا کرد. برخی از کارشناسان انرژی محاسبه کرده‌اند و گفته‌اند که ۱۷ دلاری که کشورهای نفت خیز بابت یک بشکه نفت در سال ۱۹۷۸ دریافت می‌کرده‌اند، به دلیل کاهش ارزش دلار و تورم جهانی، معادل ۲/۵ دلاری است که در سال ۱۹۹۴ دریافت می‌کنند.

از آن جایی که عمده درآمدهای ارزی کشور ما از طریق نفت می‌باشد، ممکن است کاهش تولید نفت را به ناکارآمدی مسئولان در حیطه‌ی اقتصادی ارتباط دهند؛ در حالی که قسم عمده‌ی این عوامل به اختیار و اراده‌ی مسئولان مربوط نمی‌شود.

لازم به یادآوری است که در سال‌های پس از انقلاب به سه دلیل شاهد کاهش صادرات نفت هستیم: یکی، تعیین سقف تولیدی است که از طرف اپک مشخص شده است. از سوی دیگر ایران پس از انقلاب بر این امر پایبند بوده است که نفت سرمایه‌ی ملی است و درست نیست که این سرمایه را هدر دهیم و بدون بهینه سازی، آن را به ارزانی در اختیار دیگر کشورها قرار بدهیم. کشورهای نفت خیز باید به سمت تولیدات غیرنفتی بروند، زیرا این سرمایه‌ی ملی باید برای نسل‌های بعدی نیز حفظ شود. در حقیقت تولید نفت نشانه‌ی کارآمدی و هنر یک نظام نیست، از طرف دیگر خود سهمیه بندی اپک نیز ناعادلانه بوده است. زیرا در این سهمیه بندی برخی از

کشورها از استحقاق خودشان بیشتر سهم برداشتند و سهم کمتری را به دیگر کشورها از جمله کشور ایران دادند. دلیل دیگری که برای کاهش تولید وجود داشته، مسأله‌ی تحریم اقتصادی غرب بوده که امکان تولید بیشتر را برای ما ایجاد نمی‌کرده، زیرا بازاری برای تولید و صدور نفت وجود نداشته است؛ همچنین به دلیل مشکلات فناوری، که ما در اول انقلاب در استخراج نفت پیدا کردیم، میزان تولید و صادرات نفتمان کاهش پیدا کرد.

در بحث کارآمدی (*Efficiency*) دو پارامتر عملکرد و امکانات باید با هم در نظر گرفته شوند، بخشی از بحث، امکانات و شرایط مربوط به درآمدها می‌باشد که ذکر آن رفت و اما قسمتی از امکانات به هزینه‌ها مربوط می‌شود، هزینه‌هایی که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب برای جامعه‌ی ما ایجاد گردید.

گفته شد که تا سال ۱۳۷۶ میزان مصرف نفت در کشور ما سه برابر افزایش پیدا کرده و اگر اکنون محاسبه شود، دیده می‌شود که قطعاً این میزان به چهار برابر افزایش یافته است. عامل دیگر جمعیت کشور است؛ جمعیت کشور بیش از دو برابر افزایش پیدا کرده است. زمانی که درآمد نفتی را با جمعیت بسنجیم، می‌بینیم که تولید نفت بشدت کاهش پیدا کرده و صادرات نفت و قیمت آن با توجه به تورم جهانی و کاهش ارزش دلار، نصف شده است. جمعیت نیز به دو برابر رسیده و در کنار این مسأله ترکیب جمعیتی نیز تغییر پیدا کرده است. به طوری که اکثریت جمعیت روستایی قبل از انقلاب به اکثریت جمعیت شهری بعد از انقلاب تبدیل شده است. توقع روستاییان از زندگی و امکانات در سطح پایین‌تری است و توقع شهری‌ها در سطح بالاتری قرار دارد که این مسأله در ایجاد فضای نارضایتی موثر می‌باشد. علاوه بر تغییر ترکیب جمعیتی کشور، الگوی مصرف جامعه

نیز در حال حاضر یک الگوی مصرف سطح بالایی است، که بالطبع مشکلات جدیدی را با خود به همراه آورده است، در کنار همه‌ی این‌ها فرار سرمایه‌ها و سرمایه‌دارها در اول انقلاب، تحریم اقتصادی غرب و از همه مهمتر، جنگ تحمیلی را باید ذکر کرد که حدود ۱۰۰۰ میلیارد دلار به ایران خسارت وارد نموده است، اگر این هزینه‌ها و درآمدها با هم سنجیده شود مشخص می‌شود که با کاهش درآمدها و افزایش چنین هزینه‌هایی نظام جمهوری اسلامی نظامی ناکارآمد نبوده است؛ اما به رغم کاهش درآمدها و افزایش هزینه، ما شاهد هستیم که روند توسعه یافتگی در ایران بشدت رشد کرده است و این را نه تنها با شاخص‌های ملی می‌توان اثبات کرد بلکه شاخص‌های بین‌المللی نیز حکایت از رشد و توسعه یافتگی ایران دارند.

از جمله شاخص‌های عمده‌ی توسعه یافتگی نرخ مرگ و میر کودکان است. در سال‌های پس از انقلاب، نرخ مرگ و میر کودکان بشدت کاهش پیدا کرده است. در سال ۱۳۵۶ در هر یک هزار تولد زنده، ما شاهد ۱۱۱ مورد مرگ نوزادان بوده‌ایم، اما در سال ۱۳۸۱ این عدد به ۲۷ نفر کاهش پیدا کرده، به همین دلیل سازمان بهداشت جهانی در سال‌های دهه‌ی دوم انقلاب اسلامی، ایران را به عنوان موفق‌ترین کشور دنیا در کاهش نرخ مرگ و میر کودکان مطرح کرد.

یکی دیگر از شاخص‌ها، کاهش مرگ مادران ناشی از عوارض بارداری است، که در حدود ۶/۵ برابر کاهش پیدا کرده است.

از دیگر شاخص‌های متعارف سلامتی و توسعه یافتگی در بعد اجتماعی، افزایش سن امید به زندگی است. سن امید به زندگی در ایران در طول ۲۰ سال اخیر ۱۰ سال افزایش پیدا کرده است، که در مورد مردان از ۱۳۵۸ سال به ۱۳۶۸ سال و در مورد زنان از ۱۳۶۰ سال به ۱۳۷۰ سال

رسیده است.

از دیگر شواهد توسعه یافتگی کشور، موفقیت‌های علمی دانش‌آموزان ایرانی در المپیادهای جهانی در رشته‌های مختلفی همچون؛ فیزیک، شیمی، ریاضی، کامپیوتر و... می‌باشد. همچنین مرکز فرهنگی سازمان ملل، دو یا سه بار، از نهضت سوادآموزی ایران به عنوان موفق‌ترین سازمان در مبارزه با بیسوادی در دنیا تقدیر کرده است.

از دیگر شاخص‌های توسعه یافتگی علمی، میزان افزایش دانشجویان کشور می‌باشد. در باب بُعد کمی توسعه‌ی علمی می‌توان گفت که در سال ۵۶ تعداد دانشجویان کشور از مرز ۱۵۰/۰۰۰ نفر تجاوز نمی‌کرد، ولی هم اکنون تعداد دانشجویان به بیش از یک میلیون و هفتصد هزار نفر می‌رسد، یعنی بیش از ۱۱ برابر افزایش پیدا کرده است. در خصوص رشد کیفی نیز چند شاخص وجود دارد که یکی از شاخص‌ها، افزایش دوره‌های تحصیلات تکمیلی - کارشناسی ارشد و دکترا - می‌باشد. تعداد دانشجویان اشتغال به تحصیل در مقطع دکتری در سال ۱۳۵۹ - ۱۳۵۸ در ایران ۴۵۲۶ نفر بوده، در حالی که در سال تحصیلی ۱۳۸۰ - ۱۳۸۱ این عدد به بیش از ۱۲ هزار نفر افزایش پیدا کرده است؛ یعنی کشور ما شاهد رشد ۲۶/۵ درصدی در این خصوص بوده است.

یکی دیگر از شاخص‌ها، میزان چاپ مقالات در مجلات معتبر علمی در سطح دنیا است. یکی از مؤسسات معتبر بین‌المللی، مؤسسه‌ی اطلاعات علمی (ISI) می‌باشد که میزان رشد مقالات چاپ شده‌ی ایرانی در مجلات وابسته به این مؤسسه در طول ۱۰ سال اخیر؛ یعنی از سال ۱۹۹۳ تا سال ۲۰۰۳، هفت برابر یعنی ۸۰۰ درصد رشد داشته است که این میزان در حقیقت سه برابر رشد متوسط جهانی بوده است. باز در این خصوص

شاخص‌ها و آمارهای دیگری نیز وجود دارد؛ یعنی رشد تخصص در کشور. کسانی که سال‌های اول انقلاب و سال‌های آخر قبل از انقلاب را به خاطر دارند، شاهد این هستند که در کشورمان پزشکان بنگلادشی، هندی و پاکستانی به وفور پیدا می‌شدند، اما هم اکنون در کشور ما با وجودی که جمعیت بیش از دو برابر افزایش پیدا کرده است، ما به میزانی پزشک در کشور داریم که حتی بحث اعزام پزشک به کشورهای دیگر هم امروز مطرح است.

در حیطه‌ی کشاورزی؛ عمده کالاهای کشاورزی و دامپروری از خارج وارد می‌گردیده است، برای مثال تخم مرغ از اسرائیل، سیب از لبنان، پنیر از دانمارک و موارد دیگری که خیلی‌ها به خاطر دارند. مسئولین حکومت سابق در سال ۱۳۵۶ اعلام کرده بودند که ایران فقط ۳۳ روز مواد غذایی خودش را در داخل تولید می‌کند و ناچار است بقیه‌ی سال مواد غذایی را از خارج وارد کند، اما در حال حاضر با این که جمعیت کشور دو برابر شده است، تولید مواد غذایی (کشاورزی و دامپروری) در داخل کشور به حدود ۳۰۰ روز در سال یا بیشتر رسیده است.

از دیگر موارد موفقیت نظام جمهوری اسلامی، مبارزه با سوداگران مرگ است. همان طور که مراکز جهانی نیز اعلام کرده‌اند، بیش از ۸۰ درصد مواد مخدر دنیا از طریق کشورهای هم مرز با ایران ترانزیت می‌شود که عمدتاً از طریق کشور افغانستان صورت می‌گیرد. مهار کردن و مقابله با این سوداگران و قاچاقچیان مواد مخدر، یکی از اهتمام‌های نظام جمهوری اسلامی در این سال‌ها بوده است؛ به همین جهت سازمان‌های جهانی مرتبط و سازمان جهانی مبارزه با مواد مخدر، چندین بار ایران را بابت مبارزه‌ی منسجم و واقعی با ترانزیت مواد مخدر و سوداگران مرگ مورد تقدیر قرار

داده است.

در بُعد نظامی نیز ما پیشرفت‌های بسیار عظیمی داشته‌ایم، اکنون تسلیحات نظامی ایران به ۳۷ کشور دنیا صادر می‌شود. به گفته‌ی یکی از کارشناسان نظامی - که از اول انقلاب تاکنون در حوزه‌ی تسلیحات نظامی فعالیت کرده - از نظر توسعه‌ی نظامی، ایران به یک کشور درجه‌ی دوم تولید کننده‌ی تسلیحات نظامی در دنیا مبدل شده است و الان پس از کشورهای مثل برزیل و هندوستان قرار می‌گیرد.

در حیطه‌ی هنر و فرهنگ هم که ایران در قبل از انقلاب در این زمینه اصلاً مطرح نبوده، در حال حاضر سینمای ایران جزء سینماهای مطرح دنیا است و در جشنواره‌های جهانی، سینماگران ایرانی عمدتاً رتبه‌های بالایی را کسب می‌نمایند. همچنین در صنعت دوبلاژ و انیمیشن، ایرانی‌ها موفقیت‌های بسیاری داشته‌اند به گونه‌ای که در صنعت انیمیشن برخی از شرکت‌های ایرانی وارد قرارداد همکاری با شرکت‌های غربی شده‌اند. در صنعت دوبلاژ ایران هم اکنون جزء سه کشور اول در دنیا محسوب می‌شود. در بُعد توسعه‌ی صنعتی؛ از جمله مواردی که می‌توان به آن اشاره کرد، این است که در سال‌های قبل از انقلاب و سال‌های اول انقلاب، در کشور ما کالاهایی که یافت می‌شد، عمدتاً کالاهای خارجی بود و بندرت کالای ساخت داخلی پیدا می‌شد؛ ولی هم اکنون ما اکثر کالاهایی که در داخل کشور استفاده می‌کنیم ساخت کشور خودمان است و برخی از آنها در حدی از کیفیت و مرغوبیت قرار دارند که واقعاً نمی‌شود در برخی از موارد، آنها را از کالاهای خارجی تشخیص داد. این‌ها مواردی از توسعه یافتگی در ایران است که نشان می‌دهد که شاخص توسعه یافتگی در کشورمان افزایش پیدا کرده است.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی